





دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی
گروه جامعه‌شناسی

عنوان:

بررسی ارزشهای سنتی - مدرن در حوزه خانواده
در شهر بوکان (سال ۱۳۸۸-۱۳۸۹)

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته جامعه‌شناسی

مؤلف:

عمر خضر نژاد

استاد راهنما:

دکتر محمد جواد زاهدی مازندرانی

استاد مشاور:

دکتر امیرملکی

تیرماه:

۱۳۸۹

تقدیم به:

تمامی اندیشه ورزان.

روح پاک مرحوم پدرم، که زمینه های پیشرفت تحصیلی
مرا طی زندگی ام فراهم نمود.

مادرم، که درس صبوری، امید و علم دوستی را به من
آموخت.

همسر گرامی ام، که یار شفیق و همراه صبوری است.

سپاس و تقدیر:

سپاس بیکران خدای را، که در تمام مراحل زندگی بندگان خویش را مورد عنایت خود قرار داده، که اگر لطف او نبود، حقیر نمی توانست این کار را به انجام برساند. بی شک انجام و تکمیل این تحقیق، بدون مساعدت و دلسوزی بسیاری از عزیزان و فرهیختگان میسر نبود. از جناب آقای دکتر محمد جواد زاهدی که در تمام مراحل تحقیق، صمیمانه و با سعه ی صدر، با راهنمایی های ارزنده شان مرا یاری و مساعدت فرمودند، صمیمانه سپاسگزارم، از جناب آقای دکتر امیر ملکی نیز که با نکته سنجی های اندیشمندانه، در هدایت تحقیق مرا یاری نمودند، سپاسگزارم، از سرکار خانم دکتر پروانه دانش که داوری این کار را بر عهده گرفتند نهایت تشکر را دارم. از همسرم که همواره مشوق من بوده است، تشکر می کنم. و از دوست عزیز و گرامی آقای عثمان آچاک که در تحلیل داده ها مرا بسیار یاری دادند و محبت فراوانی نمودند، تشکر می کنم. و پیروزی، موفقیت و شادکامی را برای همه ی آنان آروزمندم.

چکیده

با گذر از جوامع سنتی به جوامع مدرن، تغییر ارزش ها در جوامع امروزی نسبت به تمام ادوار تاریخ بشر، بسیار تندتر و سریع تر از جوامع گذشته می باشد، بنابراین بررسی تغییر ارزش ها، آن هم در حوزه خانواده ضروری به نظر می رسد که در تحقیق حاضر تلاش گردیده تا پرتو اندکی بر این مسأله افکنده شود و به اقتضای شرایط و محدودیتها، به بررسی این مسأله پرداخته شده است که علل تغییر ارزش های حوزه خانواده در شهر بوکان چیست؟ و عوامل اجتماعی مؤثر بر این ارزش ها کدامند؟ نظریه های مورد استفاده ما در این پژوهش، نظریه های نوسازی اینگلهارت، پارسونز، اسملسر، نظریه جیمز کلمن در مورد سرمایه اجتماعی خانواده، نظریه کنش ارتباطی هابرماس و حوزه عمومی او و نظریه های مک لوهان، گربنر، والد هال و دیگران در باره ارتباطات می باشد. این تحقیق به روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه به اجرا در آمده است، واحد تحلیل فرد است و سطح تحلیل هم خرد می باشد. جامعه آماری مجموعه افراد ۱۵ ساله و بالاتر اعضای خانواده ها در شهر بوکان می باشد. تعداد حجم نمونه شامل ۳۹۴ نفر است، شیوه نمونه گیری، خوشه ای چند مرحله ای است. ابزار سنجش، پرسش نامه ای است شامل ۶۷ سؤال، نتایج تحقیق حاکی از آن است که از میان متغیرهای مستقل تحقیق، سرمایه درونی بیشترین تأثیر را بر ارزش های حوزه خانواده به ویژه ارزش های مدرن در سطح معنی داری ۰/۰۱ داشته است، به عبارتی با افزایش سرمایه درونی خانواده ارزش های مدرن خانواده بیشتر شده و ارزش های سنتی نیز کاهش یافته است. همچنین بر اساس میانگین شاخصهای توصیفی مصرف رسانه ای، میزان استفاده از رسانه ها در طول شبانه روز ۳۰۹ دقیقه بوده که در حد بالایی است و اثر آن بر ارزش های مدرن خانواده نیز مثبت و معنی دار بود. در مرحله بعد، از میان متغیرهای اثر گذار دیگر بر ارزش های مدرن خانواده، عام گرایی اثرات مثبت و معنی داری در سطح ۰/۰۱ بر ارزش های خانوادگی داشت. و اثرگذاری سرمایه بیرونی هم بر ارزش های مدرن خانواده مثبت و معنی دار بود. اما میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و ارزش های آن ارتباط معنی داری وجود نداشت. چنانکه نتایج تحقیق هم گویای آن می باشد، ارزش های سنتی حوزه خانواده هنوز تا اندازه زیادی به قوت خود باقی اند و ارزش های مدرن نیز آرام و به تدریج در حال شکل گیری هستند، البته خانواده های بوکانی با اندیشه های سنتی خود نوعی اندیشه مدرن را ایفا کرده اند و همچنین نوعی مدرنیته بومی در خانواده های ایرانی در حال شکل گرفتن است، ورود به دنیای مدرنیته در هر جامعه ای با توجه به بافت فرهنگی، پیشینه های اجتماعی، اقتصادی و تاریخی و ارزش های اصیل آن متفاوت از دیگر جوامع می باشد.

فهرست محتوی

۱	فهرست محتوی.....
۵	فهرست جدول‌ها.....
۷	فهرست نمودارها.....

فصل اول: کلیات تحقیق

۸	مقدمه.....
۱۱	طرح مسئله.....
۱۴	سؤالهای تحقیق.....
۱۵	اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۱۵	اهداف تحقیق.....

فصل دوم: مرور منابع و متون تحقیق

۱۶	بخش اول: مرور سوابق تجربی تحقیق
۱۷	مطالعات خارجی.....
۲۰	مطالعات داخلی.....
۲۰	نظرسنجی و تحقیقات غیر دانشگاهی.....
۲۳	پایان‌نامه‌ها و تحقیقات دانشگاهی.....
۳۱	مقالات تحقیقی.....
۳۴	گفتگو و مصاحبه.....
۳۶	نتیجه‌گیری.....

بخش دوم: مرور سوابق نظری تحقیق

۳۷	قسمت اول: چارچوب مفهومی
۳۷	جایگاه مفهوم ارزش در فلسفه.....
۳۷	مفهوم ارزش از نظر روانشناسی.....
۳۹	نظام ارزش‌ها.....
۳۹	ارزش‌های خانوادگی.....
۴۰	مفهوم ارزش از دیدگاه جامعه‌شناسی.....
۴۰	ارزش‌های اجتماعی.....

۴۰	ویژگی ارزش های اجتماعی
۴۱	کارکرد ارزش های اجتماعی
۴۱	طبقه بندی ارزش ها
۴۴	تغییر ارزش ها
۴۴	جامعه پذیری (اجتماعی شدن)
۴۴	تعریف جامعه پذیری
۴۵	اهداف جامعه پذیری
۴۵	عوامل جامعه پذیری
۴۵	خانواده
۴۵	مدرسه
۴۵	گروه همسالان
۴۶	رسانه های همگانی
۴۷	قسمت دوم: چارچوب نظری
۴۷	مقدمه
۴۸	نوسازی، تعریف و نظریه ها
۴۸	تعریف مفهوم نوسازی
۴۹	نظریه ی نوسازی
۵۰	ارزش های مدرن و عناصر نظام فرهنگی
۵۱	مرور نظریه های نوسازی
۵۱	نظریه ی نوسازی رونالد اینگلهارت: نه موجبیت فرهنگی و نه موجبیت اقتصادی
۵۲	نظریه ی نوسازی تالکوت پارسونز: متغیرهای الگویی
۵۵	نظریه ی نوسازی نیل جی. اسملسر: تفکیک و تمایز ساختاری
۵۷	سرمایه ی اجتماعی
۵۷	تعریف، تاریخچه، نظریه ها
۵۷	نظریه ی جیمز کلنن در مورد سرمایه اجتماعی خانواده
۶۱	فرهنگ رسانه های ارتباطی
۶۲	نظریه ی کنش ارتباطی هابرماس
۶۳	تئوری های ارتباط جمعی
۶۳	نظریه ی مارشال مک لوهان

۶۵	نظریه‌ی کاشت.....
۶۷	جمع بندی.....
۶۷	مدل تحقیق.....
۶۹	مدل تحلیلی تحقیق.....
۷۰	فرضیه‌های تحقیق.....

فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۷۱	مقدمه.....
۷۱	نوع روش.....
۷۱	تکنیک گردآوری داده‌ها.....
۷۱	واحد تحلیل و سطح تحلیل.....
۷۲	جامعه آماری.....
۷۲	حجم نمونه.....
۷۳	روش نمونه‌گیری.....
۷۴	شیوه اجرای تحقیق.....
۷۴	شناسایی متغیرهای تحقیق.....
۷۵	تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها و نحوه سنجش آنها.....
۹۰	روایی تحقیق.....
۹۰	پایایی تحقیق.....
۹۱	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....

فصل چهارم: یافته‌های تحقیق

۹۲	مقدمه.....
۹۲	بخش اول: تحلیل‌های توصیفی تحقیق.....
۱۰۱	بخش دوم: تحلیل‌های استنباطی مربوط به فرضیه‌های تحقیق.....
۱۰۸	بخش سوم: رگرسیون چند متغیره.....
۱۰۹	بخش چهارم: تحلیل مسیر متغیرهای تحقیق بر اساس مدل پیشنهادی تحقیق.....
۱۱۰	خلاصه یافته‌ها.....

فصل پنجم: نتایج و یافته های تحقیق

۱۱۱مقدمه
۱۱۱مروری بر روند انجام تحقیق
۱۱۲بحث و نتیجه گیری
۱۱۸پیشنهادات
۱۱۹محدودیت های تحقیق
۱۲۰منابع و مآخذ فارسی
۱۲۵منابع خارجی

فهرست جدول‌ها

- جدول شماره ۱ طبقه‌بندی اسپیندلر از ارزش‌ها ۴۲
- جدول شماره ۲ طبقه‌بندی پرینس از ارزش‌ها ۴۳
- جدول شماره ۳ طبقه‌بندی اینگلهارت از ارزش‌ها ۴۳
- جدول شماره ۴ تقسیم‌بندی مناطق سه‌گانه‌ی شهر بوکان بر اساس محله ۷۴
- جدول شماره ۵ گویه‌های سنجش ارزش‌های خانوادگی ۷۶
- جدول شماره ۶ گویه‌های سنجش مصرف رسانه‌ای ۷۹
- جدول شماره ۷ گویه‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی (ساختاری و شناختی) درون خانواده ۸۳
- جدول شماره ۸ گویه‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی (ساختاری و شناختی) بیرون خانواده ۸۴
- جدول شماره ۹ گویه‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی (ساختاری و شناختی) بیرون خانواده ۸۴
- جدول شماره ۱۰ گویه‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی (ساختاری و شناختی) بیرون خانواده ۸۴
- جدول شماره ۱۱ گویه‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی (ساختاری و شناختی) بیرون خانواده ۸۵
- جدول شماره ۱۲ گویه‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی (ساختاری و شناختی) بیرون خانواده ۸۵
- جدول شماره ۱۳ گویه‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی (ساختاری و شناختی) بیرون خانواده ۸۵
- جدول شماره ۱۴ گویه‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی (ساختاری و شناختی) بیرون خانواده ۸۶
- جدول شماره ۱۵ گویه‌های سنجش روابط عام‌گرایی و روابط خاص‌گرایی ۸۸
- جدول شماره ۱۶ گویه‌های سنجش متغیرهای زمینه‌ای ۸۹
- جدول شماره ۱۷ گویه‌های سنجش پایگاه اجتماعی - اقتصادی ۸۹
- جدول شماره ۱۸ توزیع فراوانی سطح سواد افراد نمونه ۹۲
- جدول شماره ۱۹ توزیع فراوانی نمونه بر حسب جنس ۹۳
- جدول شماره ۲۰ جدول توافقی جنس و سطح تحصیلات ۹۴
- جدول شماره ۲۱ فراوانی نمونه بر اساس تأهل ۹۵
- جدول شماره ۲۲ توزیع فراوانی افراد نمونه بر اساس سن ۹۶
- جدول شماره ۲۳ شاخص‌های توصیفی ارزش‌های خانوادگی ۹۷
- جدول شماره ۲۴ توزیع فراوانی ارزش‌های خانوادگی ۹۷
- جدول شماره ۲۵ شاخص‌های توصیفی سرمایه اجتماعی بیرونی ۹۹
- جدول شماره ۲۶ توزیع فراوانی سرمایه اجتماعی بیرونی ۹۹
- جدول شماره ۲۷ شاخص‌های توصیفی سرمایه اجتماعی درونی ۱۰۰
- جدول شماره ۲۸ توزیع فراوانی سرمایه اجتماعی درونی ۱۰۰

- جدول شماره ۲۹ شاخص های توصیفی متغیرهای مصرف رسانه ای و عام گرایی و خاص گرایی ۱۰۱
- جدول شماره ۳۰ تحلیل رگرسیون ارزش های خانوادگی بر حسب سرمایه..... ۱۰۲
- جدول شماره ۳۱ همبستگی متغیرهای سرمایه درونی و بیرونی با ارزش های خانوادگی..... ۱۰۲
- جدول شماره ۳۲ تحلیل رگرسیون ارزش های خانوادگی بر حسب سرمایه اجتماعی..... ۱۰۳
- جدول شماره ۳۳ همبستگی ارزش های خانوادگی با عام گرایی و خاص گرایی..... ۱۰۴
- جدول شماره ۳۴ تحلیل رگرسیون ارزش های خانوادگی بر حسب عام گرایی و خاص گرایی... ۱۰۴
- جدول شماره ۳۵ همبستگی سن، درآمد و تحصیلات با ارزش های خانوادگی..... ۱۰۵
- جدول شماره ۳۶ بررسی تفاوت ارزش های خانوادگی در زنان و مردان..... ۱۰۶
- جدول شماره ۳۷ بررسی میزان تفاوت ارزش های خانوادگی در افراد مجرد و متأهل..... ۱۰۶
- جدول شماره ۳۸ تحلیل واریانس anova برای بررسی تفاوت ارزش ها در شرایط مختلف منزل مسکونی..... ۱۰۷
- جدول شماره ۳۹ همبستگی ارزش های خانوادگی با وضعیت اقتصادی - اجتماعی..... ۱۰۷
- جدول شماره ۴۰ نتایج تحلیل رگرسیون ارزش های خانوادگی بر حسب متغیرهای تحقیق..... ۱۰۸

فهرست نمودارها

- نمودار شماره ۱ مدل تحلیلی تحقیق..... ۶۹
- نمودار شماره ۲ نمودار توزیع افراد نمونه بر حسب مدرک تحصیلی..... ۹۳
- نمودار شماره ۳ نمودار دایره ای نمونه بر حسب جنس..... ۹۳
- نمودار شماره ۴ توزیع افراد زن و مرد بر حسب سطوح تحصیلات..... ۹۴
- نمودار شماره ۵ نمودار دایره ای نمونه بر حسب تأهل ۹۵
- نمودار شماره ۶ توزیع هیستوگرام سن افراد نمونه..... ۹۶
- نمودار شماره ۷ توزیع فراوانی متغیر وابسته..... ۹۸
- نمودار شماره ۸ نمودار پراکنش متغیرهای اصلی تحقیق..... ۹۸
- نمودار شماره ۹ نمودار تحلیل مسیر روابط بین متغیرهای اصلی تحقیق..... ۱۰۹

فصل اول

❖ کلیات تحقیق

موضوع گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن پس از پایان یافتن جنگ جهانی اول تا به امروز به صورت یکی از مباحث اصلی جامعه‌شناسی مطرح بوده است. فرآیند نوسازی نیز که به معنای گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن می‌باشد، در کشور ایران هم این فرآیند گرچه از زمان شروع جنگ های ایران و روسیه و صدارت عباس میرزای قاجار اولین جرقه های آن آغاز شد، اما به صورتی سیستماتیک و منسجم در دوره پهلوی اول نمود پیدا کرد و در دوره ی پهلوی دوم اثرات شدید آن بر جامعه ما نیز بارزتر شد و از ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تغییراتی بر آن احراز شد، شهر بوکان نیز در این برهه ی تاریخی به عنوان بخشی از کشور ایران، هم متأثر از جریان نوسازی بوده و از برخی جنبه های مثبت آن بهره مند شده و هم پیامدهای منفی نوسازی را تجربه نموده است. در این پژوهش قصد داریم تا به مطالعه و بررسی ارزش های سنتی و مدرن در حوزه خانواده در شهر کردنشین بوکان پردازیم.

«رنگ باختن، دگرگونی، تضعیف ارزش ها یا نگرش های اجتماعی از مباحث بنیادینی است که سخن گفتن درباره آنها در صورت برخورداری از پشتوانه های علمی و پژوهشی، مبنای قضاوت و به دست دادن تحلیلی عمیق و منطقی را میسور و در خور اعتنا می سازد. پژوهش در باب ارزش ها و نگرش های اجتماعی سالیانی است که در جوامع غربی به انجام می رسد و مبنای تحلیل ها راهبردی و برنامه ریزی کلان نیز قرار می گیرد.» (روزنامه ایران، مصاحبه با احمد مسجد جامعی، ۱۳۸۰/۱۰/۱، سال هفتم، شماره ۲۰۰۳: ۱۰)

باید اقرار نمود که گذر از جامعه ی سنتی به جامعه ی مدرن بدون تغییرات اجتماعی و تحول فرهنگی آن هم در حوزه خانواده و ارزشهای آن غیرممکن خواهد بود، لذا چون خانواده یکی از نهادهای اصلی جامعه ی مدنی است در این حوزه هم مانند بسیاری از حوزه های دیگر زمینه ی اصلی، تغییر و دگرگونی در ارزشهای آن می باشد. گیدنز در سخنرانی که تحت عنوان «خانواده» در دسامبر سال ۱۹۹۹ ایراد نمود، بیان می کند که دو قرائت متضاد از خانواده وجود دارد. «یک طرف کسانی هستند که از خانواده سنتی دفاع می کنند، یا بهتر است بگوییم حامیان «خانواده سنتی»... آنانی که از خانواده سنتی دفاع می کنند به لحاظ سیاسی تمایلات راست دارند. آنان خانواده را در بحران انشعاب و از هم پاشیدگی می بینند و این بینش مربوط به زوال خانواده ی سنتی، بویژه در کشورهای غربی است. در طرف دیگر، لیبرالهایی هستند که دیدی کاملاً مخالف دارند. آنان معتقدند آنچه در حال رخ دادن است تکرر انواع شکل های خانواده است که با تغییر شکل و زندگی شخصی رابطه ای تنگاتنگ دارد. آنان این تکرر را در جامعه مدرن، مفید و لازم می دانند.» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۹۲-۳) «بسیاری اکنون از فروپاشی خانواده سخن می گویند. اگر این فروپاشی در حال رخ دادن

باشد، بسیار مهم است. خانواده نقطه ی طلاق ی روندهای گوناگونی است که بر کل جامعه تأثیر می گذارند- برابری فزاینده بین زن و مرد، ورود گسترده ی زنان به نیروی کار، تغییرات در رفتار جنسی و انتظارات، دگرگونی رابطه ی میان خانه و کار» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۰۱) «گیدنز معتقد است که اندیشه ی بازگشت به خانواده ی سنتی تا چه اندازه غیر ممکن است. او دلایل مهمی را در این زمینه برمی شمارد که عبارتند از:

۱) ما با فرایندهای دگرگونی عمیق در زندگی هر روزه برخورد می کنیم، که معکوس کردن آن کاملاً بیرون از توانایی هر سازمان سیاسی است.

۲) حسرت و دریغ خانواده ی سنتی را خوردن، گذشته را آرمانی می کند... پژوهشهای تاریخی بیش از پیش رویه ی تاریک خانواده ی سنتی را آشکار می سازند، که در آن خشونت نسبت به کودکان و سوء استفاده ی جنسی از کودکان بسیار فراوان تر از آنچه بیشتر مورخان در گذشته گمان می کردند بوده است.

۳) خانواده سنتی اساساً یک واحد اقتصادی و خویشاوندی بود. پیوندهای زناشویی مانند امروز مشخص و متمایز نشده بودند و عشق یا درگیری عاطفی پایه ی اصلی ازدواج را، آن گونه که بعداً شد، تشکیل نمی داد.

۴) ازدواج سنتی بر پایه ی نابرابری زن و مرد قرار داشت.

۵) خانواده ی سنتی به طور کلی شامل یک معیار اخلاقی دوگانه و تبعیض آمیز در زمینه ی روابط جنسی بود. از زنان متأهل انتظار می رفت که «عقیف» باشند، تا اندازه ای به دلیل اهمیت اطمینان یافتن از منشأ پدری کودکان. به مردان آزادی جنسی بیشتری داده شده بود.

۶) کودکان علت وجودی ازدواج بودند. خانواده های پرجمعیت یا مطلوب بودند یا به عنوان امری طبیعی پذیرفته می شدند. ما اکنون در دوران «کودک سالاری»^۱ زندگی می کنیم، دورانی که کودکان دیگر مزیت اقتصادی به شمار نمی روند بلکه به جای آن یک هزینه ی اقتصادی عمده اند. ماهیت کودکی و پرورش کودک عمیقاً تغییر کرده است. (همان: ۳-۱۰۲) گیدنز در بحث خود به این نتیجه می رسد که تلاش برای بازگرداندن خانواده ی سنتی فایده ای ندارد. او همچنین از دموکراتیزه کردن خانواده بحث می نماید، از نظر گیدنز «دموکراتیزه کردن در زمینه ی خانواده به مفهوم برابری، احترام متقابل، استقلال، تصمیم گیری از طریق برقراری ارتباط، و آزادی از خشونت است.» (همان: ۱۰۵) «خانواده را ضربه گیر مهم جامعه نامیده اند، یعنی جایی که فرد مصدوم و لطمه دیده پس از نبرد با جهان بیرون به درون آن باز می گردد، مکانی امن در محیطی سرشار از جنب و جوش. با گسترش انقلاب فراصنعتی این ضربه گیر یعنی خانواده خود نیز در معرض ضربه

^۱) Prize Child

های بسیاری قرار می گیرد. منتقدان اجتماعی با شور و شوق در باره ی خانواده اظهار نظر می کنند. فردیناند لاندبرگ نویسنده کتاب دنیای متحول آینده می گوید: « خانواده به نقطه ای رسیده که در شرف امحاء کامل است.» به عقیده ی ویلیام ولف روانکاو: « خانواده غیر از یکی دو سال اول که برای پرورش کودک لازم است، وجودی است مرده. تنها کارکرد خانواده همین است و بس.» بد بینان به ما می گویند خانواده به سوی فراموشی می رود اما به ندرت می گویند چه چیزی جای آن را خواهد گرفت. « برعکس، خوشبینان چنین استدلال می کنند که خانواده چون تمام این مدت وجود داشته است همچنان به حیات خود ادامه خواهد داد. گروهی تا بدانجا پیش رفته اند که می گویند عصر طلایی خانواده در آینده پدیدار می شود. به نظر آنان با افزایش اوقات فراغت، اعضاء خانواده اوقات بیشتری را با یکدیگر خواهند گذراند. و از فعالیت مشترک بسیار لذت خواهند برد. « خانواده ای که اعضاء آن با هم سرگرم باشند بایکدیگر خواهند ماند.» (تافلر، ۱۳۷۶: ۴۰ - ۲۳۹) نظریه ی جالب تر دیگری مدعی است که شور و غوغای آینده مردم را بیشتر از پیش به دامان خانواده می کشاند. دکتر ایروین گرین برگ پروفیسور روانپزشک معتقد است: «مردم در پی ساختاری باثبات ازدواج خواهند کرد.» طبق این نظریه خانواده همچون ریشه ای است که فرد هر جا می رود آن را با خود می برد و به مثابه ی لنگرگاهی است که انسان را در برابر طوفان تغییرات محفوظ نگاه می دارد. خلاصه ی کلام آنکه محیط پیرامون هر چقدر ناپایدارتر و تازه تر بشود اهمیت خانواده بیشتر خواهد شد. ممکن است هر دو طرف در این باره اشتباه کنند، زیرا آینده فراتر از آن چیزی است که به نظر می رسد. خانواده ممکن است نابود نشود و به عصر طلایی جدیدی نیز گام نگذارد. به احتمال زیاد خانواده ممکن است از هم گسیخته و پراکنده شود و باز به اشکال شگفت انگیز و تازه تر به هم پیوندد.» (همان) تحول خانواده یکی از مهمترین مسائل جهان معاصر است. «در پی دگرگونی های اجتماعی - فرهنگی در غرب و فرآیند مدرن سازی در جهان سوم، نهاد خانواده به پرسش کشیده شده است. در جوامع صنعتی، خانواده به سوی فروریزی ساختارها و ارزشهایش پیش می رود، در حالی که در کشورهای رو به رشد گروه های خویشاوندی از هم فرو می پاشند، و شکل های جدید خانواده با نیازهای جوامعی که دستخوش دگرگونی های پر شتاب اند به دشواری منطبق می شوند. در برابر دگرگونی های اجتماعی - فرهنگی، تغییرات جمعیتی خانواده در درون حوزه های فرهنگی مختلف چه نتایجی به بار آورده است؟ کدام نیروها با مسائل بزرگی مانند فقر، بزه کاری، بی کاری و ... به مقابله بر خواهند خواست؟ این اوضاع پیچیده هم اکنون توجه فزاینده ی پژوهشگران، تصمیم گیران سیاسی و سازمان های بین المللی را جلب کرده است. سازمان ملل متحد سال ۱۹۹۴ را «سال بین المللی خانواده» اعلام کرده است.» (بهنام، ۱۳۸۴: ۷)

طرح مسأله و سؤال‌های تحقیق

در باب رابطه بین سنت و مدرنیته، بعضی از اندیشمندان علوم اجتماعی بر این نظرند که در فرآیند تحقق مدرنیته و گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن، «بسیاری از عناصر مهم سنتی ساختار فرهنگی جامعه در هم شکسته می‌شوند» (ارمکی و ملکی، ۱۳۸۶: ۹۷) و عناصر و ساختارهای جدیدی جایگزین آنها می‌شود که یکی از ابعاد مهم این تغییر و تحولات فرهنگی در جامعه، تغییر ارزش‌های سنتی و مدرن در حوزه خانواده می‌باشند. ارزش‌ها همواره از اساسی‌ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند که از طریق کنترل و هدایت آنها می‌توان جامعه را به زوال و یا تعادل کشاند. بنابراین مسئولین یک کشور باید خیلی راغب باشند که بدانند، چه عواملی موجب پیدایش ارزش‌ها در یک جامعه می‌شوند و چگونه می‌توان این ارزش‌ها را تغییر داد.» (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۲۶۷) آنها همچنین بر این عقیده‌اند که «تغییر ارزش‌ها و همچنین تغییر نظام اجتماعی مانند حرکت سایه و آفتاب است، در صورت دقت و تمرکز در یک زمان محدود (مثلاً در عرض یک یا چند ثانیه) اصلاً محسوس نیستند، اما با گذشت مدت زمانی نه چندان طولانی، مردم و مسئولین جامعه متوجه می‌شوند که کجا بوده‌اند و حالا کجا هستند.» (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۲۳۳) «تغییر و جابجایی ارزش‌ها اکنون از تمام ادوار تاریخ تندتر شده است. در گذشته کسی که در جامعه ای می‌زیست می‌توانست انتظار آن را داشته باشد که نظام ارزشی مورد پذیرش آن جامعه در سراسر طول حیات وی بدون تغییر بماند، ولی امروز شاید بجز در منزوی‌ترین جوامع ماقبل تکنولوژیکی در هیچ کجای دیگر نمی‌توان چنین انتظاراتی داشت. و این یعنی حالت موقت در ساختار نظامهای ارزشی مورد پذیرش عموم و فرد، و مبین آن است که ارزشهای تازه ای که برای جایگزین شدن ارزشهای دوران گذشته بوجود می‌آیند هر چه که باشند، این نکته مسلم است که این ارزشها نسبت به ارزشهای دوران گذشته کوتاه مدت و ناپایدارتر خواهند بود. هیچ دلیل و مدرکی در دست نیست که فکر کنیم نظامهای ارزشی جوامعی که از نظر تکنولوژی پیشرفته‌اند در آینده احتمالاً دوباره یک «وضع ثابت» پیدا می‌کنند. در آینده ی نزدیک باید منتظر تغییر هر چه سریعتر ارزشها باشیم. به هر حال در این اوضاع و احوال، چند پارگی جوامع، کثرت و تنوع ارزشها را به همراه دارد. ما اکنون شاهد تلاشی شدن وفاق و هم‌رایی^۲ در جامعه هستیم. بیشتر جوامع قبلی کار خود را با یک هسته ی اصلی و وسیع از ارزشهایی که در بین همگان مشترک بوده‌اند پیش برده‌اند. این هسته اکنون روز به روز کوچکتر می‌شود و دلیل چندانی در دست نیست که در چند دهه ی آینده یک وفاق و هم‌رایی تازه شکل بگیرد. فشارها رو به بیرون و در جهت کثرت و تنوع است، نه رو به درون و در جهت وحدت و یگانگی. علت و منشأ تبلیغات بسیار پراکنده و رنگارنگی که در جوامع پیشرفته ی

²) Consensus

تکنولوژیکی پیوسته ذهن مردم را بمباران می کنند همین است. خانه، مدرسه، شرکت، گروه هممتیان، رسانه های جمعی، و خرده فرهنگهای بیشمار هر یک مجموعه های متنوعی از ارزشها را تبلیغ می کنند. در نظر افراد بسیاری نتیجه ی همه ی اینها داشتن یک دیدگاه «هرکه هرکه» است و خود این یک موقعیت ارزشی دیگر است. مجله ی نیوزویک اعلام می کند: «جامعه ی ما جامعه ی است که وفاق و هم‌آیی خود را از دست داده است..... جامعه ای است که نمی تواند با استانداردهای سلوک و زبان و آداب و رسوم و آنچه دیده و شنیده می شود توافق حاصل کند.» (تافلر، ۱۳۷۶: ۳۰۹) «وقتی نسیم دگرگونی در جامعه‌ای وزیدن می‌گیرد، می‌توان پیش‌بینی کرد که در درازمدت احتمالاً چه تغییراتی در سیمای جامعه روی خواهد داد.» (اینگلهارت، ۱۳۸۶: ۱) «سیل تازگی و تجدد که در حال غرقه کردن ماست از دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی به کارخانه ها و ادارات و از بازارها و رسانه های گروهی به مناسبات اجتماعی و از اجتماع به درون خانه ها کشیده می شود. این سیل که تا اعماق زندگی خصوصی همگی ما رخنه می کند فشارهای بی سابقه ای بر زندگی خانوادگی وارد می آورد.» (تافلر، ۱۳۷۶: ۲۳۹) «ارزش‌های خانوادگی، با این که در برابر مدرنیته و دگرگونی های اجتماعی - فرهنگی مقاومت می‌ورزند به ناگزیر سست شده‌اند و به تدریج به نفع هنجارهای تازه کنار می‌روند. ارزش‌هایی از قبیل مهمان‌نوازی نسبت به بیگانگان، ادب، احترام به بزرگ‌ترها و ارج گذاشتن گاه بیش از حد به جنس مذکر و به باروری و غیره همچنان به دیده‌ی احترام نگریسته می‌شوند، البته با شدتی کمتر از گذشته. مفهوم ناموس خانوادگی، که در ناموس خواهر، مادر یا همسر تجلی می‌یابد، در جامعه‌ی مسلمان معاصر همه‌ی ارزش خود را حفظ می‌کند، اما در عوض ارزش‌های تشکیل دهنده‌ی اختلاف جنسی به سرعت دگرگون می‌شوند. نقش و جایگاه افراد خانواده مبهم و نامشخص می‌شود، به ویژه در مورد زنان که در اوج تحول قرار دارند، و حتی در مورد کودکان که دیگر نماد استمرار و جزو اموال والدین تلقی نمی‌شوند بلکه برنامه‌ای برای آینده و عضو بالقوه‌ی جامعه محسوب می‌گردند. ... زندگی روزمره‌ی خانواده‌هایی که در معرض مدرنیته قرار گرفته‌اند در سال‌های اخیر به سرعت دگرگون شده است؛ این دگرگونی تحت تأثیر مدارس، وسایل ارتباط جمعی و یا تقلید از گروه‌های مرجع (نخبگان غرب‌زده، بیگانگان) صورت می‌پذیرد. همچنین بر اثر تبلیغات تجاری که راه را برای الگوهای غربی مصرف باز می‌کنند، شیوه‌ی لباس پوشیدن، طرز آشپزی، آداب پذیرایی و شکل‌های گذران اوقات فراغت تغییر می‌کنند. لوازم خانگی وسایل صوتی - تصویری و اتومبیل رواج می‌یابند و به دگرگونی زندگی روزمره‌ی خانواده یاری می‌رسانند.» (بهنام، ۱۳۸۴: ۷-۱۹۶) اما آنچه در این پژوهش مد نظر است، بررسی ارزشهای (سنتی و مدرن) خانواده در شهر بوکان می باشد. بوکان شهری است که در جنوب شرقی استان آذربایجان غربی واقع شده است و یکی از شهرهای مهم

مهاجرپذیر استان است. شهری بوده که نه تنها مردم از روستاهای اطراف آن بلکه از شهرهای مجاور آن هم، مانند تکاب و شاهین دژ به آنجا مهاجرت می کنند و به همین دلیل در میان شهرهای منطقه تنها شهری می باشد که دارای خرده فرهنگهای متنوعی است و از بعد فرهنگی یکدست و یکنواخت نیست. اما از این نظر که آیا بوکان در معرض برنامه های نوسازی قرار گرفته است یا نه؟ باید گفت: «اصلاحات رضا شاه و ادعاهای دولت او قبل از همه به منظور جلب حمایت مردم شهرهای بزرگ و بویژه مرکز حکومت صورت می گرفت. می خواست قلبها و مغزهای جماعت شهری را تسخیر کند اما این جماعت یکدست نبود و در خوش بینانه ترین حالت می توان گفت (تنها) بخشهایی از عناصر شهری با او همراه بودند. دهقانان در حد زیادی از تأثیر اصلاحات رضاشاه برکنار ماندند، و عشایر و ایلات بیرحمانه و به زور اسکان یافتند.» (فوران، ۱۳۸۳: ۳۳۹)

بالاخره چون نوسازی فرایندی بود که در کشور ما برای اولین بار به صورتی سیستماتیک از دوره ی پهلوی اول آغاز شد و برنامه های آن هم فقط محدود به شهرهای بزرگ و مرکز حکومت بود و شهرهای دور و کوچکی مانند بوکان از تأثیر این فرایند برخوردار نبودند لذا تغییراتی هم در آنجا به وقوع نپیوست ولی شهر بوکان از برنامه های نوسازی دوره ی پهلوی دوم بویژه اصلاحات ارضی و در هم شکسته شدن سیستم ارباب - رعیتی از بعد اجتماعی تأثیرات زیادی پذیرفت، با وقوع انقلاب سال ۵۷ در ایران و تشدید فرایند نوسازی این تأثیرات شدت و گسترش بیشتری یافت و دیگر ابعاد فرهنگی و اقتصادی شهر بوکان را نیز فرا گرفت و با توجه به شاخصهای توسعه ی فرهنگی که در آن دوره در این شهر روی داده می توان این تغییرات را بررسی نمود. قبل از تشدید فرایند نوسازی حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد مردم از بیسوادی رنج می بردند و تحصیلات عالی در این شهر کم و به ندرت بود. اما بر اساس آمارها و شاخصهایی که از سال ۱۳۷۰ توسط مرکز آمار ایران در رابطه با این شهر ارائه شده نشان دهنده ی توسعه ی فرهنگی و اجتماعی صورت گرفته در آنجا می باشد. بر اساس این آمارها «تعداد دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور بر حسب جنس و سن در شهر بوکان در مقاطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس، ۲۲۷۷ نفر و اگر آخرین مدرک تحصیلی را هم بر آن بیفزاییم تعداد این افراد تا سال ۱۳۸۵، ۵۴۲۵ نفر بوده است. همچنین تعداد افراد باسواد در این شهر بر حسب تعداد خانوارهای یک نفر تا پنج نفر و بیشتر در مقاطع تحصیلی مختلف ۲۰۷۷۶ نفر و تعداد افراد بیسواد آن هم ۱۵۹۶۸ نفر بوده اند. بر اساس آمار سال ۱۳۷۰ افراد شاغل در شهر بوکان ۲۰۷۷۶ نفر و افراد بیکار آن هم ۱۷۳۵۲ نفر بوده اند و بر حسب تعداد خانوارهای یک نفر تا ده نفر و بیشتر تعداد ۲۰۷۷۶ نفر از افراد این خانوارها در این شهر از امکانات ارتباطی و رسانه های جمعی مانند رادیو، تلویزیون و تلفن برخوردار بوده اند، و همین تعداد افراد از امکانات دیگری مانند آب لوله کشی، برق، گاز، دستگاه

حرارت و برودت مرکزی، آشپزخانه و حمام برخوردار بوده اند.» (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) علاوه بر مسائل فوق به علت مجاورت شهر بوکان با شهرهای مرزی غرب کشور و ارتباط مردم آن با کشورهای ترکیه، دبی، عراق، چین و و ورود رسانه‌ی ارتباطی جدیدی همچون ماهواره از ابتدای دهه‌ی ۷۰ و همچنین اتصال به شبکه‌ی اینترنتی از اوایل دهه‌ی ۸۰ به بعد تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در این شهر شدت و شتاب بیشتری به خود گرفته و موجب تغییر ارزش‌های حوزه خانواده شده است. این پژوهش هم بر آن است که به بررسی ارزش‌های سنتی و مدرن در حوزه خانواده در شهر بوکان بپردازد، همچنانکه شهر بوکان نیز در چندین دهه‌ی اخیر آغاز و گسترش نوسازی را تجربه نموده و از برخی جنبه‌های مثبت آن بهره‌مند شده و هم پیامدهای منفی آن را تجربه کرده است، شتاب تغییر و تحولات فرهنگی و ارزش‌های سنتی در حوزه خانواده در آن شهر سریع بوده، لازم است «تا بفهمیم این حوادث چه معنایی دارند؟ نهاد خانواده به کجا می‌رود؟ موقعیت این نهاد با توجه به تغییراتی که در مسائل جنسیتی، روابط عاطفی و روابط جنسها با یکدیگر رخ می‌دهد چگونه است؟» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۹۲)

بنابراین پاسخ به این سؤالات مهم و ضروری به نظر می‌رسند.

سؤالات اصلی

۱. ارزش‌های سنتی و مدرن حوزه خانواده در شهر بوکان چگونه است؟
۲. عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر ارزش‌های سنتی و مدرن خانواده در شهر بوکان کدامند؟

سؤالات فرعی

۱. آیا ارزش‌های حوزه خانواده با پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان رابطه دارد؟
۲. آیا ارزش‌های حوزه خانواده با میزان استفاده آنان از وسایل ارتباط جمعی رابطه دارد؟
۳. آیا ارزش‌های حوزه خانواده با جنس افراد آن (زن یا مرد) رابطه دارد؟
۴. آیا ارزش‌های حوزه خانواده با سرمایه اجتماعی خانواده رابطه دارد؟
۵. آیا ارزش‌ها حوزه خانواده با الگوهای عام‌گرایی - خاص‌گرایی آنان رابطه دارد؟